



Comparison of Emotional Intelligence and Coping Skills in Adolescents Under 18 Years of Age Referred To Forensic Medicine in Khorasan Razavi to Study the Growth Sentence With 18 Years



Somayeh Rahimi Ahmadabadi^{1*}, Hamid Attaran², Zahra Rahimi Ahmadabadi³, Akram Fotovat²

¹ Department of Psychology, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

² Legal Medicine Research Center, Iranian Legal Medicine Organization, Tehran, Iran

³ Khorasan Razavi Justice, Mashhad, Iran

*Correspondence to: Somayeh Rahimi Ahmadabadi, Email: somaye.rahimi1390@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article history:

Received: April 22, 2021

Accepted: August 9, 2021

Online Published: September 21, 2021

Keywords:

Emotional intelligence
Stress coping skills
Adolescent
Emancipation Decree

HIGHLIGHTS

1. Weakness in emotional and social skills and effective coping methods in adolescence shows the lack of growth in this period.
2. Using emotional intelligence tests and stress coping skills to study the growth sentence in forensic psychiatric commissions can be very helpful.

ABSTRACT

Introduction: Growth in jurisprudence and civil law refers to the queen and the psychic states of a person whose possessor has the psychic quality of being able to recognize the benefits and harms. The aim of this study was to compare emotional intelligence and coping skills in adolescents under 18 years of age referred to forensic medicine in Khorasan Razavi in order to evaluate the growth rate with 18-year-olds in 1398.

Methods: The present study is a descriptive design. The study population included all persons under 18 years of age who referred to the Khorasan Razavi Forensic Medicine Organization in 1398. Sixty people were selected by convenience sampling method and completed the Bar-On Emotional Intelligence Questionnaire and Lazarus Stress Coping Skills. These questionnaires were also administered to the control group. Data were analyzed using SPSS-21 software and T-test and analysis of covariance.

Results: The results showed that there was a significant difference between the two groups of adolescents under 18 and 18 years in the variables of emotional intelligence and its subscales ($P < 0.001$). Also, there is a significant difference between the two groups in the variable of coping with stress and its subscales ($P < 0.001$).

Conclusion: Considering the significant difference between emotional intelligence and coping skills between the two groups, it seems that these factors have a significant impact on coping with stress and stressors, poor impulse control and decision making, transactions that lead to self-harm and Or has others who deny them the qualification to grow.

How to cite: Rahimi Ahmadabadi S, Attaran H, Rahimi Ahmadabadi Z, Fotovat A. Comparison of emotional intelligence and coping skills in adolescents under 18 years of age referred to legal medicine in Khorasan Razavi to study the growth sentence with 18 years. Iran J Forensic Med. 2021;27(2):105-114.



مقایسه هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس در نوجوانان متقاضی حکم رشد زیر ۱۸ سال مراجعه کننده به پزشکی قانونی خراسان رضوی با افراد ۱۸ ساله

سمیه رحیمی احمدآبادی^۱ PhD، حمید عطاران^۲ MD، زهرا رحیمی احمدآبادی^۳ BSc، اکرم فتوت^۴ MSc

^۱ گروه روانشناسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا، مشهد، ایران

^۲ مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی ایران، تهران، ایران

^۳ دادگستری خراسان رضوی، مشهد، ایران

*نویسنده مسئول: سمیه رحیمی احمدآبادی، پست الکترونیک: somaye.rahimi1390@yahoo.com

چکیده

مقدمه: رشد در فقه و حقوق مدنی به آن ملکه و حالات نفسانی شخص اطلاق می‌شود که دارنده آن کیفیت نفسانی توانایی تشخیص نفع و ضرر را دارد. هدف این مطالعه، مقایسه هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس در نوجوانان زیر ۱۸ سال مراجعه کننده به پزشکی قانونی خراسان رضوی به منظور بررسی حکم رشد با افراد ۱۸ ساله در سال ۱۳۹۸ بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع طرح‌های توصیفی است. جامعه پژوهش شامل کلیه افراد زیر ۱۸ سال بوده که در سال ۱۳۹۸ به سازمان پزشکی قانونی خراسان رضوی مراجعه کرده‌اند. ۶۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پرسشنامه‌های هوش هیجانی بار-ان و مهارت‌های مقابله با استرس لازاروس را تکمیل کردند. بر روی گروه شاهد نیز این پرسشنامه‌ها اجرا شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۲۱ و با روش آماری T و تحلیل کواریانس مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین دو گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال و ۱۸ سال در متغیر هوش هیجانی و زیرمقیاس‌های آن تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). همچنین بین دو گروه در متغیر مقابله با استرس و زیرمقیاس‌های آن تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری: نظر به تفاوت معنادار هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله در بین دو گروه، به نظر می‌رسد این عوامل تأثیر قابل توجهی در مواجهه و مقابله فرد با تنش‌ها و شرایط استرس‌زا، ضعف در کنترل تکانه‌ها و تصمیم‌گیری، انجام معاملات منجر به ضرر برای خود و یا دیگران دارد که صلاحیت آنها را برای احراز حکم رشد رد می‌کند.

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

انتشار برخط: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

واژگان کلیدی:

هوش هیجانی

مهارت مقابله با استرس

نوجوان

حکم رشد

نکات ویژه

۱. ضعف در مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و شیوه‌های مقابله کارآمد در دوره نوجوانی عدم احراز حکم رشد را در این دوره نشان می‌دهد.

۲. استفاده از آزمون‌های هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس جهت بررسی حکم رشد در کمیسیون‌های روانپزشکی پزشکی قانونی می‌تواند بسیار کمک کننده باشد.

مقدمه

اصطلاح رشد در فقه و حقوق مدنی به آن ملکه و حالات نفسانی شخص اطلاق می‌شود که دارنده آن کیفیت نفسانی توانایی تشخیص نفع و ضرر را دارد. به عبارت دیگر، رشد به معنی عقل معاش بوده و رشید کسی است که دارای وصف رشد باشد. چنین کسی دارای ملکه اصلاح مال است و اموالش را تباه نمی‌کند. کسی که فاقد این وصف و کیفیت نفسانی است، اگر به حد جنون نرسد و صغیر هم نباشد، سفیه

نامیده می‌شود و وصف او را سفه گویند. پس سفه در مقابل رشد است و سفیه کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد و ملاک ارزیابی و بررسی هم متعارف عقول است. بدین ترتیب نسبت عقل و رشد عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر رشیدی عاقل است ولی هر عاقلی رشید نیست، زیرا ممکن است شخصی که عرفاً عاقل نامیده می‌شود، توانایی تشخیص ضرر و زیان و قوه اداره امور مالی و معاش خود را نداشته باشد و به لحاظ مدنی سفیه باشد. مبنا

و مآخذ رشد جزایی تشخیص حسن و قبح اعمال است و منظور آن کیفیت نفسانی و ملکه‌ای است که واجد آن توانایی تشخیص حسن و قبح افعال را دارد و به عبارت دیگر دارای قوه تمیز خوبی و بدی است و چون انسان، اول بدی و خوبی را تمیز می‌دهد و بعد نفع و ضرر را، بنابراین حجر مدنی ملازمه‌ای با حجر جزایی ندارد. اما حجر جزایی مستلزم حجر مدنی است زیرا هر کس که بدی و خوبی را تمیز ندهد، نفع و ضرر را هم تمیز نمی‌دهد. بدی به معنای عام شامل ضرر هم می‌شود و خوب به معنی عام شامل نفع هم هست [۱]. به‌طور کلی، چون مآخذ رشد جزایی، تکامل قوای دماغی و حصول قدرت تشخیص و تمیز نیک و بد امور است، تا چنین قوه و ملکه‌ای حاصل نشود، انسان قادر به تشخیص سود و زیان و اداره معاش خود به نحو عاقلانه و متعارف نخواهد بود [۲]. حقوقدانان رشد را کیفیتی نفسانی می‌دانند که دارنده آن توانایی تشخیص نفع و ضرر را در رشد مدنی و حسن و قبح را در رشد جزایی دارد. از جنبه مدنی رشید فردی است که توانایی تشخیص نفع و ضرر خود را دارد و مانع از تضییع اموال خود می‌شود [۳]. رشد عقلانی می‌تواند از جنبه کیفری نیز ارزیابی شود [۴]. در ماده ۱۴۰ قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ از شرایط مسئولیت کیفری آن است که فرد در حین ارتکاب جرم عاقل بالغ و مختار باشد و در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دادگاه می‌تواند برای بررسی رشد و کمال عقلانی از پزشکی قانونی استعلام کند. مطابق قانون ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، اگر فرد متهم زیر ۱۸ سال به رشد و کمال عقل نرسیده باشد، مسئولیت کیفری از او سلب نمی‌شود بلکه از حدود و قصاص به مجازات تعزیری تبدیل می‌شود. بنابراین تعیین رشد عقلانی یکی از شرایط لازم به‌منظور تعیین میزان و نوع مجازات در افراد زیر ۱۸ سال متقاضی حکم رشد است [۳].

سال‌ها تصور می‌شد که هوش افراد، موفقیت آنان را در زندگی تعیین می‌کند. مدارس برای ثبت نام دانش‌آموزان در برنامه‌های مختلف و همچنین شرکت‌ها و کارفرمایان برای انتخاب افراد از آزمون هوش استفاده می‌کردند. اما در سال‌های اخیر محققان دریافتند که هوش‌بهر تنها شاخص موفقیت افراد نیست. اکنون توجه به سمت هوش هیجانی است که به عنوان شاخص دیگر موفقیت افراد محسوب می‌شود. هوش هیجانی نوع دیگر باهوش بودن است و شامل درک احساسات خود برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی است. هوش هیجانی توانایی تنظیم موثر هیجانات و

رهایی از احساسات منفی و مضر، کنترل تکانه‌ها، تأخیر در ارضای خواسته‌ها و توانایی همدلی و برقراری رابطه موثر با دیگران است [۵]. درواقع هوش هیجانی ناکامی در موفقیت افراد با ضریب هوش بالا و همچنین موفقیت غیرمنتظره افراد دارای هوش متوسط را تعیین می‌کند. افراد دارای هوش عمومی متوسط و هوش هیجانی بالا، بسیار موفق‌تر از کسانی هستند که هوش عمومی بالا و هوش هیجانی پایین دارند. سطوح پایین هوش هیجانی به ناتوانی در مقابله و توانایی اداره هیجانات فرد منجر می‌شود که می‌تواند در آغاز بسیاری از مشکلات نقش داشته باشد. هوش هیجانی پایین منجر به رفتارهای بیرونی‌سازی مانند پرخاشگری و بزهکاری می‌شود [۶]. در سال‌های اخیر علاقه به نقش هوش هیجانی و برنامه‌های مرتبط با ارتقای آن به منظور افزایش و بهبود سطح سازگاری هیجانی و موفقیت تحصیلی و کاهش رفتارهای آسیب‌زا در محیط‌های آموزشی افزایش یافته است [۷]. هوش هیجانی پایین از عوامل مهم در گرایش به رفتارهای نابهنجار در نوجوانان است [۸]. در مطالعه‌ای بر روی ۱۱۱ دانش‌آموز دبیرستانی ۱۵-۱۲ ساله مشخص شد که نوجوانان دارای رفتار مخرب، در هوش هیجانی، به‌خصوص توانایی درک، فهم و مدیریت هیجانات نقص دارند [۹]. در مطالعه‌ای دیگر مشخص شد هوش هیجانی با پرخاشگری، رفتارهای بزهکارانه، استرس، افسردگی و نشانه‌های بدنی در دانش‌آموزان دبیرستانی رابطه منفی معناداری دارد [۱۰]. تحقیقات نشان داده که هوش هیجانی، با سازگاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، رابطه مثبت و با رفتارهای ناسازگارانه رابطه منفی دارد. هوش هیجانی بالا موجب می‌شود افراد بتوانند فشار روانی را بیشتر تحمل کنند و از مهارت مقابله حل مسئله استفاده کنند [۱۱]. لازاروس و فولکمن [۱۲] مقابله را تلاش‌هایی معرفی می‌کنند که برای مهار (شامل تسلط، تحمل، کاهش دادن یا به حداقل رساندن) تعارض‌ها و خواسته‌های درونی و محیطی که فراتر از منابع شخص هستند، صورت می‌پذیرد. مقابله به عنوان چگونگی مدیریت شرایط توسط افراد، آنچه آنها برای از بین بردن استرس انجام می‌دهند و چگونگی مدیریت احساسات مرتبط با استرس شناخته می‌شود [۱۳]. لازاروس و فولکمن معتقدند که راهبردهای مقابله‌ای به دو شکل: (۱) مقابله مسئله‌مدار که در آن فرد به‌صورت فعال به اصلاح رابطه عینی میان خود و محیط می‌پردازد و (۲) مقابله هیجان‌مدار که در آن جنبه شخصی یا درونی رویداد یا رابطه اصلاح می‌شود، توسط افراد به کار گرفته می‌شوند [۱۲].

موضوع پژوهش چه افرادی را در نمونه قرار دهد، افراد نمونه را انتخاب می‌کند. برای پژوهش‌های توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای نمونه‌ای با حجم حداقل ۳۰ نفر ضروری است [۱۶]. ملاک‌های ورود به پژوهش، نداشتن اختلالات سایکوتیک و رضایت‌مندی از شرکت در مطالعه و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز تمایل نداشتن به شرکت در پژوهش و پاسخگویی به سوال‌ها بود.

ابزار پژوهش

مقیاس هوش هیجانی بار

آزمون هوش هیجانی بار آن که توسط روون بار-آن تهیه شده و ویراست سال ۲۰۰۶ آن یکی از پرکاربردترین ابزارهای روان‌سنجی است، درواقع برای سنجش مجموعه قابلیت‌ها، صلاحیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی در نظر گرفته شده که بر توانایی شخص برای موفقیت در مقابله با نیازها و فشارهای محیطی تأثیر دارد. عوامل کلیدی که این پرسشنامه ارزیابی می‌کند کارکردهای عاطفی، هیجانی و اجتماعی هستند که منجر به بهزیستی روان‌شناختی می‌شوند. این پرسشنامه در ایران استاندارد شده و دارای اعتبار و روایی بالایی است. این پرسشنامه از ۹۰ گویه و ۱۵ خرده مقیاس تشکیل شده که به منظور سنجش هوش هیجانی به کار می‌رود. پاسخ‌های آزمون نیز در روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. مولفه‌های آزمون عبارتند از:

خودآگاهی هیجانی، خودابزاری، خود عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوشبینی و شادمانی. پایایی آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰.۹۳ درصد گزارش شده است [۱۷].

پرسشنامه راهبردهای مقابله با استرس

پرسشنامه راهبردهای مقابله با استرس یک آزمون ۶۶ ماده‌ای است که توسط لازاروس و فولکمن تهیه شده و دامنه وسیع از افکار و اعمالی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که افراد هنگام مواجهه با شرایط فشارزای درونی یا بیرونی به کار می‌برند. این پرسشنامه در دو خوشه راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار طبقه‌بندی شده و دارای ۸ زیرمقیاس است: مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، خودکنترلی، طلب حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریز اجتناب، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت. ۴

مقابله مسئله‌مدار شامل هدایت تلاش‌ها، رویارویی رفتاری با موقعیت تنش‌زا، گردآوری اطلاعات، تصمیم‌گیری، حل تعارض و کسب منابع و انجام رفتارهای وسیله‌ای و ویژه موقعیت، با بهره‌گیری از اعمال تکلیف‌مدار است [۱۴]. این نوع از مقابله افراد را هدایت می‌کند تا تمرکز خود را بر اهداف وابسته به موقعیت معطوف کنند. مقابله هیجان‌مدار شامل باز ارزیابی مثبت است. همچنین راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار بیانگر واکنش‌های خودمدار با هدف کاهش استرس است (نه حل منطقی مسئله). این واکنش‌ها شامل پاسخ‌های هیجانی مانند مقصر دانستن خود هستند. حتی در برخی موارد، استرس با این روش افزایش می‌یابد. در این شیوه واکنش‌ها به سوی شخص جهت داده می‌شوند تا حل مسئله [۱۵].

هوش هیجانی دارای مزایای اجتماعی، شناختی و زیست‌شناختی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با هوش هیجانی بالا، سطوح پایین‌تری از هورمون‌های استرس و دیگر نشانگرهای برانگیختگی هیجانی را دارا هستند. کودکان با کفایت هیجانی بهتر توانایی بیشتری برای تمرکز بر مشکل و استفاده از مهارت حل مسئله دارند که موجب افزایش توانایی‌های شناختی آنان خواهد شد. به این منظور پژوهش حاضر درصدد است به مقایسه دو مولفه هوش هیجانی و مهارت مقابله با استرس در دو گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال و افراد ۱۸ ساله بپردازد تا نتایج حاصل از این پژوهش بتواند برای مسئولان قضایی، متخصصان پزشکی قانونی و دیگر ارگان‌ها که نقشی در تأیید و رد حکم رشد در نوجوانان دارند، مورد استفاده قرار گیرد.

روش بررسی

این مطالعه توصیفی و از نوع علی مقایسه‌ای انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه افراد متقاضی حکم رشد مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی خراسان رضوی در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. باتوجه به ماهیت این تحقیق از دو گروه برای مقایسه استفاده شد. در گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال (۶۰ نفر) که همگی به روش نمونه‌گیری در دسترس برای تحقیق انتخاب شدند و معادل با آنها، از بین نوجوانان ۱۸ ساله شهر مشهد نیز ۶۰ نفر به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف به لحاظ جنسیت و سطح تحصیلات با گروه مورد مطالعه هم‌تا و انتخاب شدند. در روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، پژوهشگر براساس تصمیم خود که باید باتوجه به

($t=12/48p<0/001$) و سنوات تحصیلی ($t=4/73p<0/001$) معنادار بود. بنابراین مقایسه گروه‌ها از لحاظ هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس با کنترل اثر سن و سنوات تحصیلی صورت گرفت که در ادامه نتایج آن ارائه شده است.

در جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نمرات مربوط به متغیرهای پژوهش شامل زیر مقیاس‌های هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استری برای دو گروه نوجوانان متقاضی حکم رشد زیر ۱۸ سال و گروه ۱۸ سال ارائه شده است. نتایج بیانگر آن است که در اغلب زیرمقیاس‌ها و همچنین نمرات کل متغیرها، تفاوت قابل توجهی بین میانگین دو گروه وجود دارد. بنابراین برای تعیین معناداری تفاوت میانگین‌ها، از آزمون پارامتریک تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) استفاده شد. اما پیش از استفاده از این آزمون، برای بررسی پیش فرض همگنی ماتریس‌های واریانس کوواریانس برای آزمون MANCOVA نتایج آزمون باکس بررسی

▼ جدول ۱. بررسی فراوانی جنسیت و رده سنی در نوجوانان زیر ۱۸ سال با

افراد ۱۸ سال

گروه	جنسیت	فراوانی	درصد
نوجوانان زیر ۱۸ سال	مرد	۴۴	۷۳/۳
	زن	۱۶	۲۶/۷
	کل	۶۰	۱۰۰
افراد ۱۸ ساله	مرد	۴۴	۲۶/۷
	زن	۱۶	۲۶/۷
	کل	۶۰	۱۰۰
گروه	رده سنی	فراوانی	درصد
نوجوانان زیر ۱۸ سال	۱۳	۴	۶/۷
	۱۴	۲	۳/۳
	۱۵	۴	۶/۷
	۱۶	۲۰	۳۳/۳
	۱۷	۳۰	۵۰
	کل	۶۰	۱۰۰
	۱۸	۶۰	۱۰۰
افراد ۱۸ ساله	کل	۶۰	۱۰۰

زیرمقیاس طلب حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت، راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار هستند و ۴ زیرمقیاس مقابله مستقیم، فاصله گرفتن، گریز اجتناب و خودکنترلی، راهبردهای هیجان‌مدار هستند [۱۲]. در مطالعه ایرانی که بر روی ۷۶۳ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر کلاس‌های دوم و سوم دبیرستان‌های دولتی شهر تهران انجام داد، پایایی پرسشنامه روش‌های مقابله با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰,۸۰ برآورد شد [۱۸].

بررسی‌های آماری

برای تجزیه و تحلیل استنباطی فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون تی برای گروه‌های مستقل و آزمون مانکوا (تحلیل کواریانس) استفاده شد. از پرسشنامه‌های هوش هیجانی باران و مهارت‌های مقابله با استرس لازاروس استفاده شد. همچنین نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ برای محاسبات آماری و تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای کلیه فرضیه‌ها نیز سطح معناداری $\alpha=0/05$ در نظر گرفته شد.

به کلیه شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات مربوط به آنها کاملاً محرمانه مانده و هیچ نیازی به نام و نشان آنها در پژوهش نیست، هیچ تأثیری در بررسی و تصمیم‌گیری و نتایج اخذ شده ندارد و هیچ پیامدی متوجه آنها نخواهد شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ فراوانی جنسیت و رده سنی در نوجوانان زیر ۱۸ سال با افراد ۱۸ سال ارائه شده است. بر مبنای اطلاعات جمعیت شناختی، میانگین و انحراف معیار سن گروه نوجوانان متقاضی حکم رشد زیر ۱۸ سال که در پژوهش شرکت داشتند به ترتیب ۱۶,۱۶ و ۱,۱۳ بود. علت تقاضای حکم رشد نوجوانان این گروه عبارت از: ۱ نفر ازدواج، ۳ نفر اخذ وام ازدواج، ۵ نفر طلاق، ۳۱ نفر لواط، ۴ نفر قتل، ۲ نفر سرقت، ۳ نفر تجاوز جنسی و ۱۱ نفر سایر موارد بود. همچنین این گروه شامل ۲۴ نفر بیکار و ۳۶ نفر کارگر بود در حالی که در گروه دیگر ۱۱ نفر بیکار، ۲۹ نفر کارگر و ۲۰ نفر دارای شغل آزاد بودند. میانگین و انحراف معیار سنوات تحصیلی برای گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال $8/68 \pm 1/96$ و برای گروه ۱۸ ساله $10/36 \pm 1/93$ بود. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه از لحاظ سن

با استرس است. بنابراین در هر دو تحلیل مربوط به متغیرهای پژوهش از شاخص پیلای تریس برای بررسی معناداری اثرهای چندمتغیری استفاده شد.

نتایج آزمون‌های تحلیل کوواریانس چندمتغیری مربوط به دو متغیر هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج تحلیل اول در جدول فوق نشان می‌دهد با کنترل اثر سن و سنوات تحصیلی، بین دو گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال و ۱۸ سال در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات زیرمقیاس‌های هوش هیجانی به عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد ($F(15/102) = 23/31, p < 0/001$). همچنین نتایج تحلیل دوم نشان می‌دهد با کنترل اثر سن و سنوات تحصیلی، بین دو گروه در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات مهارت‌های مقابله با استرس به عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده نیز تفاوت معناداری وجود دارد ($t = 10/715, p < 0/001$ ، پیلای تریس، $t = 10/715, p < 0/001$). ($F(8/109)$)

به منظور مقایسه دو گروه از لحاظ هر یک از مولفه‌های هوش هیجانی، نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها مربوط به تحلیل اول در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین نوجوانان دو گروه در نمرات تمامی ۱۵ زیرمقیاس هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. براساس اطلاعات مندرج در جدول ۱ این تفاوت به گونه‌ای است که در تمامی زیرمقیاس‌های هوش هیجانی، میانگین نمرات نوجوانان زیر ۱۸ سال نسبت به گروه ۱۸ سال به‌طور معناداری کمتر بوده است. همچنین نتایج مربوط به مقایسه مهارت‌های مقابله با استرس در تحلیل دوم نیز که در جدول ۳ ارائه شده، نشان می‌دهد بین دو گروه در نمرات ۳ زیرمقیاس سبک مسئله‌مدار یعنی پذیرش مسئولیت، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت و همچنین ۳ زیرمقیاس سبک هیجان‌مدار یعنی فاصله گرفتن، گریز اجتناب و خودکنترلی تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). براساس اطلاعات جدول ۲، این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که میانگین نمرات نوجوانان زیر ۱۸ سال در نمرات ۳ زیرمقیاس سبک مسئله‌مدار یعنی پذیرش مسئولیت، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت نسبت به نوجوانان ۱۸ ساله به‌طور معناداری کمتر بوده است. اما در نمرات زیرمقیاس‌های سبک هیجان‌مدار، تفاوت بدین‌صورت بود که نوجوانان زیر ۱۸ سال در دو زیرمقیاس فاصله گرفتن و گریز اجتناب میانگین نمرات بیشتری نسبت به

شد. مقادیر آزمون باکس درمورد متغیر هوش هیجانی ($P < 0/05$) و مهارت‌های مقابله با استرس ($P < 0/05$) از لحاظ آماری معنادار بودند که این نتایج به معنای رعایت نشدن پیش‌فرض فوق برای تحلیل‌های مربوط به متغیر هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله

▼ جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس به تفکیک گروه‌ها

متغیر	افراد ۱۸ ساله		نوجوانان زیر ۱۸ سال	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هوش هیجانی	۲۲/۴۰	۴/۱۱	۲۶/۲۶	۳/۲۴
	۲۰/۸۰	۴/۸۴	۲۶/۶۰	۲/۳۰
	۲۰/۵۵	۳/۶۹	۲۸/۲۵	۱/۲۲
	۱۹/۰۳	۴/۵۵	۲۶/۷۸	۳/۲۱
	۲۲/۲۱	۳/۹۷	۲۷/۱۳	۲/۰۶
	۲۰/۷۳	۴/۲۷	۲۳/۳۸	۲/۶۸
	۱۸/۶۱	۳/۲۷	۲۷/۱۶	۲/۵۶
	۹۱/۷۶	۴/۴۲	۲۳/۸۶	۲/۹۸
	۲۱/۸۳	۴/۸۲	۲۷/۱۸	۲/۶۰
	۲۲/۵۵	۴/۶۹	۲۷/۰۱	۲/۸۰
	۱۹/۶۶	۵/۰۳	۲۵/۲۳	۳/۹۴
	۱۹/۱۶	۳/۹۵	۲۷/۷۶	۲/۰۳
	۲۵/۰۱	۴/۰۴	۲۶/۱۵	۳/۲۰
	۲۱/۳۵	۳/۹۵	۲۵/۵۵	۴/۳۸
مهارت‌های مقابله با استرس	۱۸/۶۱	۲/۶۳	۲۳/۳۶	۱/۷۵
	۳۱۲/۱۰۰	۴۳/۲۲	۳۹۲/۰۵	۲۶/۶۲
	۱۳/۴۳	۴/۱۷	۱۲/۹۱	۲/۲۳
	۲/۶۳	۲/۱۳	۴/۸۸	۲/۷۷
	۵	۲/۶۱	۱۷/۴۵	۰/۸۳
	۱۴/۲۰	۵/۱۹	۱۵/۹۸	۲/۱۷
	۵۴/۰۸	۱۵/۳۰	۹۳/۶۶	۵/۶۳
	۷/۹۵	۳/۷۹	۷/۸۰	۲/۸۹
	۱۱/۲۱	۳/۳۹	۸/۴۵	۳/۷۵
	۱۱/۹۸	۵/۴۸	۵/۲۰	۷/۳۰
مهارت‌های مقابله با استرس	۱۰/۴۰	۳/۸۲	۱۵/۸۵	۲/۳۸
	۵۵/۷۱	۱۵/۶	۲۴/۰۳	۲۸/۹

▼ جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری به منظور مقایسه دو گروه در هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس

متغیر	df خطا	مقدار F	مقدار معناداری	اندازه اثر
هوش هیجانی	۱۰۲	۲۳/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۷۷
مهارت‌های مقابله با استرس	۱۰۹	۱۰۷/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۸۸

نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها جهت مقایسه دو گروه در مولفه‌های هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس

متغیر	مقدار F	مقدار معناداری	اندازه اثر
هوش هیجانی	۲۶/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۱۸
	۳۵/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۲۳
	۷۰/۱۷	۰/۰۰۱	۰/۳۷
	۹۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۴۳
	۳۷/۶۳	۰/۰۰۱	۰/۲۴
	۲۱/۹۰	۰/۰۰۱	۰/۱۵
	۱۲۷/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۵۲
	۱۵/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۱۱
	۳۱/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۲۱
	۲۵/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۱۸
	۱۶/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۱۲
	۱۱۵/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۴۹
	۴/۴۳	۰/۰۳	۰/۰۳
مهارت‌های مقابله با استرس	۲۶/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۱۸
	۵۳/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۳۱
	۰/۸۴	۰/۳۶	۰/۰۰۷
	۱۳/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۱۰
	۵۴۶/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۸۲
	۹/۶۵	۰/۰۰۲	۰/۰۷
	۲/۸۷	۰/۰۹	۰/۰۲
	۶/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۴
	۵/۸۳	۰/۰۱	۰/۰۴
	۵۱/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۳۰

نوجوانان ۱۸ ساله داشتند و در زیرمقیاس خودکنترلی وضعیت برعکس بود. به منظور وضوح نتایج، میانگین نمرات دو گروه در زیرمقیاس‌های هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس در نمودار ۱ و ۲ ارائه شده است.

اطلاعات نمودار ۱ میانگین نمرات زیرمقیاس‌های هوش هیجانی را به تفکیک در گروه‌ها (گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال با رنگ نارنجی و گروه افراد ۱۸ ساله با رنگ آبی) نشان می‌دهد. اطلاعات نمودار ۲ میانگین نمرات مهارت‌های مقابله با استرس را به تفکیک در گروه‌ها (گروه نوجوانان زیر ۱۸ سال با رنگ نارنجی و گروه افراد ۱۸ ساله با رنگ آبی) نشان می‌دهد.

بحث

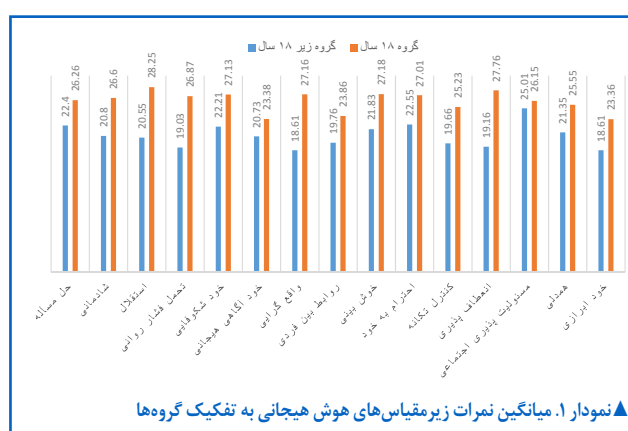
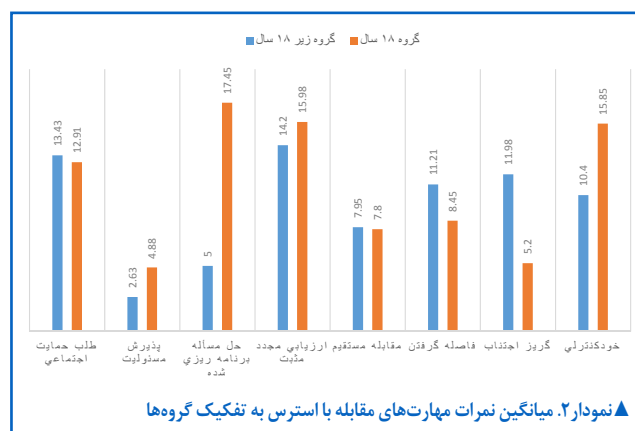
در این مطالعه به مقایسه میزان هوش هیجانی و مولفه‌های آن به همراه مهارت‌های مقابله با استرس در نوجوانان زیر ۱۸ سال مراجعه‌کننده به سازمان پزشکی قانونی خراسان رضوی برای بررسی حکم رشد در سال ۱۳۹۸ با افراد ۱۸ ساله پرداخته شد. باتوجه به اهمیتی که صدور گواهی رشد عقلانی در پزشکی قانونی دارد و نظر به اینکه روش منسجمی نیز برای سنجش میزان رشد عقلانی در پزشکی قانونی تاکنون مشخص نشده است، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال بود که آیا تفاوتی بین هوش هیجانی و شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان زیر ۱۸ سال با افراد ۱۸ ساله وجود دارد؟

طبق قانون مجازات اسلامی ماده ۱۴۶ افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و براساس ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی چنانچه فرد نابالغ کمتر از ۱۸ سال داشته باشد و ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکند یا شبیه‌ای در رشد و کمال عقل او وجود داشته باشد حسب مورد با توجه به سن، به حدود و قصاص محکوم نمی‌شود بلکه مجازات تعزیری برای او در نظر گرفته می‌شود. در این تبصره آمده که دادگاه می‌تواند برای تشخیص رشد و کمال عقل از پزشکی قانونی استعلام کند. پس یکی از موضوعات مهم در پزشکی قانونی می‌تواند بررسی رشد و کمال عقل مراجعان حکم رشد زیر ۱۸ سال باشد. بنابراین یافته‌های این پژوهش می‌تواند به متخصصان سازمان پزشکی قانونی درخصوص احراز و یا احراز نشدن حکم رشد عقلانی و توانایی اداره امور مالی در افراد و متهمان زیر ۱۸ سال کمک کند.

تصورى دست يابد. در حوزه عاطفى نيز مجموعه احساسات جديدى بروز مى کند که فراتر از تعامل هاى بين فردى، بر ايده آل هاى گروهى و اجتماعى نيز گسترش مى يابند. به اين ترتيب دنياى ارزش هاى جمعى و گروهى بر نوجوان گشوده مى شود که مى توان به وجدان جمعى و هويت ملي اشاره کرد. متاسفانه در پژوهش حاضر، نوجوانان زير ۱۸ سال شرکت کننده نمرات پايينى در مهارت هاى درون فردى مانند استقلال، خودشکوفايى، خودآگاهى هيجانى، احترام به خود و خودابرازى، مهارت هاى بين فردى مانند روابط بين فردى، مسئوليت پذيرى اجتماعى و همدلى، مهارت هاى مديریت تنش مانند حل مسئله، واقع گرایی و انعطاف پذيرى و مهارت مديریت خلق، مانند شادمانى و خوش بينى در مقايسه با بزرگسالان ۱۸ سال کسب کردند که برای متخصصان پزشکی قانونی در خصوص احراز حکم رشد مى تواند تعيين کننده و مهم باشد. از طرفى اين موضوع مى تواند حاکی از فقر آموزش مهارت هاى هيجانى و اجتماعى در محيط هاى آموزشی جامعه برای نوجوانان باشد.

همچنين نتايج مربوط به مقايسه مهارت هاى مقابل به استرس نشان داد بين دو گروه در نمرات ۳ زيرمقياس سبک مسئله مدار يعنى پذيرش مسئوليت، حل مسئله برنامه ريزى شده و ارزشيابى مجدد مثبت و نيز ۳ زيرمقياس سبک هيجان مدار يعنى فاصله گرفتن، گريز اجتناب و خودکنترلى، تفاوت معنادارى وجود دارد. اين تفاوت ها به گونه اى است که ميانگين نمرات نوجوانان زير ۱۸ سال در نمرات ۳ زيرمقياس سبک مسئله مدار يعنى پذيرش مسئوليت، حل مسئله برنامه ريزى شده و ارزشيابى مجدد مثبت نسبت به نوجوانان ۱۸ ساله به طور معنادارى کمتر بود. اما در نمرات زيرمقياس هاى سبک هيجان مدار، تفاوت بدین صورت بود

مطابق نتايج به دست آمده در اين مطالعه، ميزان هوش هيجانى و ۱۵ خردهمقياس آن (حل مسئله، شادمانى، استقلال، تحمل فشار روانى، خودشکوفايى، خودآگاهى هيجانى، واقع گرایی، روابط بين فردى، خوش بينى، احترام به خود، کنترل تکانه، انعطاف پذيرى، مسئوليت پذيرى اجتماعى، همدلى و خودابرازى) در نوجوانان زير ۱۸ سال بسيار پايين تر از افراد ۱۸ ساله بود که همسو با نتايج پژوهش دالکى و همکاران [۱۹] و مشيربان فراحي و همکاران [۲۰] است. در تبیین اين نتيجه مى توان گفت هوش هيجانى توانايى درک هيجانات و عواطف به منظور دستيابى و ايجاد هيجاناتى است تا ضمن کمک به تفکر بهتر بتواند به شناخت هيجانات و عواطف بپردازد، ضمن اينکه هماهنگى لازم بين عواطف و احساسات برای ارتقاى عاطفى و هوشى را فراهم آورد [۲۱]. درواقع هوش هيجانى نوعى پردازش عاطفى است که شامل ارزشيابى صحيح عواطف خود و ديگران، بيان مناسب عواطف و تنظيم مناسب آنهاست، به نحوى که به بهبود كيفيت زندگى منجر شود [۲۲]. وجود هوش هيجانى و احساس در انسان واقعيتى انکارناپذير است. نيمکره راست مغز انسان مربوط به هوش هيجانى است. هوش هيجانى، توانايى آگاه بودن از خود، درک و فهم خود و ديگران و توانايى مواجه شدن با هيجانات شديد و مديریت خود و... است [۲۳]. از طرف ديگر، از سنين ۱۳-۱۲ سالگى به بعد، تغييرات عمده اى به گونه موازى در جنبه هاى شناختى و عاطفى يا به طور کلى رفتار نوجوان پديد مى آيد که از ابزارهاى عقلانى و عاطفى لازم برای ورود او در جامعه به عنوان فردى مسئول به شمار مى رود. در حوزه شناختى، توانايى استدلال روى فرضيه ها، قضايا و به طور کلى ممکن هاى تصورى، رها شدن منطق از محتواهاى خاص به نوجوان کمک مى کند که از امور عينى و ممکن هاى عملى رها شده و به دنياى ممکن هاى



به گونه‌ای مثبت پیشرفت تحصیلی را تحت تأثیر قرار دهد بلکه می‌تواند تأثیرات درازمدتی بر عملکرد شغلی و اجتماعی بعدی دانش‌آموزان نیز داشته باشد. نتایج این پژوهش به روشنی بیان می‌دارد که آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و شیوه‌های مقابله کارآمد، به‌خصوص در دوران حساس نوجوانی که نوجوانان با شرایط بحرانی بیشتر و جدیدتری روبه‌رو می‌شوند، می‌تواند به آنها در برخورد و حل مشکلات پیش رو کمک زیادی کند. باتوجه به اهمیت این آموزش‌ها در رفتار سازگارانه نوجوانان و برای پیشگیری‌های ثانویه و ثالثیه، پیشنهاد می‌شود الزام به آموزش این مهارت‌ها در گروه نوجوانان عادی به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه و در کانون‌های اصلاح و تربیت به عنوان یکی از روش‌های درمانی - آموزشی به نوجوانان بزهکار برای برنامه‌ریزی مدنظر مسئولان محترم قضایی، آموزش و پرورش و متخصصان سلامت روان قرار گیرد. همچنین استفاده از آزمون‌های هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله با استرس به‌منظور بررسی حکم رشد در کمیسیون‌های روانپزشکی پزشکی قانونی پیشنهاد می‌شود.

تشکر و قدردانی: لازم است از همکاری تمام افرادی که در این پژوهش همراه و راهنمای ما بودند، کمال سپاس و قدردانی را داشته باشیم.

تأییدیه اخلاقی: در این پژوهش تمامی موارد اخلاقی از جمله محرمانه بودن اطلاعات و مشخصات فردی رعایت شده و نیز رضایت شرکت‌کنندگان در این پژوهش اخذ شده است. ضمناً این مقاله منتج از طرح پژوهشی با کد اخلاق IR.LMO.REC.1398.047 است.

تعارض منافع: بین نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع وجود ندارد.

سهم نویسندگان: سمیه رحیمی احمدآبادی (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روش‌شناس/پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری/نگارنده بحث (۷۵ درصد)، حمید عطاران (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه، نگارنده بحث (۱۰ درصد)، زهرا رحیمی احمدآبادی (نویسنده سوم)، نگارنده مقدمه، بحث، تحلیلگر آماری (۱۰ درصد)، اکرم فتوت (نویسنده چهارم)، تحلیلگر آماری (۵ درصد).

منابع مالی: از مرکز تحقیقات پزشکی قانونی تهران که هزینه مالی این پژوهش را تأمین کردند، سپاسگزاری می‌شود.

References

1. Jafari Langroudi MJ. Legal terminology. Tehran: Danesh Ganje; 2015. [Persian]
2. Rahami M. Criminal growth. Journal of the Faculty of Law and Political Science. 2002;58:18-167. [Persian]
3. Safaei H. Description and critique of Article 1210 of the Civil

که نوجوانان زیر ۱۸ سال در ۲ زیرمقیاس فاصله گرفتن و گریز اجتناب، میانگین نمرات بیشتری نسبت به نوجوانان ۱۸ سال داشتند و در زیرمقیاس خودکنترلی وضعیت برعکس بود. نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش صفاری و همکاران [۲۴]، سلیمانی و جلالی [۲۵]، کازر و مونیر [۲۶]، ماگایا و همکاران [۲۷] است. محققان در این مطالعات گزارش کردند که نوجوانان بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای شناختی/هیجانی و اجتنابی استفاده می‌کنند و با راهبردهای مقابله حل مسئله آشنا نیستند یا اینکه نمی‌دانند آنها را چگونه به‌کار گیرند که لزوم آموزش روش‌های مقابله با شرایط استرس‌زا را نشان می‌دهد. در تبیین این پدیده می‌توان گفت که در دوره نوجوانی، نوجوان بایستی به میزانی از شناخت بر خود دست یافته باشد که به او امکان دهد به گونه‌ای انتزاعی‌تر از راهبردهایی برای اداره خشم و دیگر هیجانات خود استفاده کند که متفاوت از هدف‌های کاهش تنش باشند اما نتایج این یافته نشان داد این نوجوانان بیشتر از مهارت‌های هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. این شیوه مقابله، ناکارآمد بوده و از بینش ضعیف و فقدان قضاوت خوب ناشی می‌شود و اغلب موثر نبوده و انعطاف‌ناپذیر است. افرادی که از این مقابله استفاده می‌کنند، مشکلات زندگی را انکار و از آنها اجتناب کرده و یا بدون درنظر گرفتن موقعیت و تلاش برای یافتن راه حل بهتر، به‌طور تکانشی و عجولانه واکنش نشان می‌دهند و به رشد و کمال اجتماعی، شناختی و عاطفی نرسیده‌اند و نمی‌توانند به گونه‌ای منطقی با استرس برخورد کنند. چنین شرایطی در نهایت سبب آسیب‌های فردی و اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های عجولانه می‌شود. به همین دلیل صلاحیت آنها برای احراز حکم رشد رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و شیوه‌های مقابله کارآمد می‌تواند هم در درازمدت و هم در کوتاه‌مدت موجب موفقیت افراد باشد. با گنجاندن مفهوم هوش هیجانی و مقابله کارآمد در برنامه آموزشی مدارس و دبیرستان‌ها می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا بهتر با فشارهای تحصیلی مقابله کنند و کمتر دچار مشکلات هیجانی در برنامه یا ترک تحصیل شوند [۲۸]. همچنین این آموزش‌ها، در کنار آموزش مطالب درسی، توانایی‌های گسترده دیگری را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد که نه تنها می‌تواند

1093/brief-treatment/mhl009

16. Delaware A. Research Methods in Psychology and Educational Sciences. Tehran: Virayesh. 2018. [Persian]
17. Fathi Ashtiani A. Psychological tests (Psychological testing, assessment of personality and mental health). Tehran: Besat. 2016. [Persian]
18. Mousavinasab MH, Taghavi MR. The effect of stress assessment and coping strategies on mental health. Hormozgan Medical Journal. 2007;11(1):83-90. [Persian]
19. Dalkey S, Zakeri Nia E, Gholamzadeh S, Malekpour AR. Comparison of intellectual, emotional and emotion regulation components in criminal and non-criminal individuals under 18 years of age applying for a growth sentence in the General Directorate of Forensic Medicine of Fars Province in 2015. Iran J Forensic Med. 2017;23(1):69-74. [Persian]
20. Moshirian Farahi M, Ghanaie Chamanabad A, Asghari Ebrahimabad MJ, Moshirian Farahi MM. Predicting the difficulty of emotion regulation due to spiritual intelligence in criminals in Mashhad prison. Journal of Religion and Health. 2015;3(1):39-48. [Persian]
21. Kotsou I, Mikolajczak M, Heeren A, Grégoire J, Leys C. Improving Emotional Intelligence: A Systematic Review of Existing Work and Future Challenges. Emotion Review. 2019;11(2):151-65. doi:10.1177/1754073917735902
22. Beheshtian M. The relationship between emotional intelligence components and internet addiction among high school students in Tehran. Cultural Sociology. 2013;4(2):1-19. [Persian]
23. Fatemi M. Emotional Intelligence. Tehran: Sargol. 2014. [Persian]
24. Saffari M, Ghofranipour F, Mahmoudi M. Stress, coping and factors affecting them in a sample of male adolescents. Journal of Monitoring. 2015;14(3):315-22. [Persian]
25. Soleimani R, Jalali M. Comparison of the relationship between coping styles and academic achievement in adolescents with and without hearing impairment. Journal of Guilan University of Medical Sciences. 2015;24(96):79-86. [Persian]
26. Kausar R, Munir R. Pakistani adolescents' coping with stress: effect of loss of a parent and gender of adolescents. J Adolesc. 2004;27(6):599-610. doi:10.1016/j.adolescence.2003.11.015
27. Magaya L, Asner-Self KK, Schreiber JB. Stress and coping strategies among Zimbabwean adolescents. Br J Educ Psychol. 2005;75(4):661-71. doi:10.1348/000709905X25508
28. Dehshiri GR. Investigating the relationship between emotional intelligence and students' academic achievement. Journal of Counseling Research. 2006;5(18):97-106. [Persian]
4. Raeii M, Aashouri Taluki NA, Maleki Foroushani F. Criminal age of responsibility and legal justice of Islamic law and jurisprudence. Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Law. 2008;5(15):75-112. [Persian]
5. Naghdi H, Adibrad N, Nouranipour RA. The effectiveness of the emotional intelligence training on the aggressiveness among adolescent boys. Journal of Kermanshah University of Medical Sciences. 2010;3(47):211-8. [Persian]
6. Santesso DL, Reker DL, Schmidt LA, Segalowitz SJ. Frontal electroencephalogram activation asymmetry, emotional intelligence, and externalizing behaviors in 10- years old children. J Child Psychiatry Hum Dev. 2006;36(3):311-28. doi:10.1007/s10578-005-005-2
7. Humphrey N, Curran A, Morris E, Farrell P, Woods K. Emotional intelligence and education: A critical review. Educational Psychology. 2007;27(2):235-54. doi:10.1080/01443410601066735
8. Khanmohammadi Otaghsara A, Homayouni AR, Ishaqi M. The relationship between emotional intelligence and mental health in delinquent and normal adolescents. Quarterly of Sociological Studies of Youth. 2014;4(13):9-22. [Persian]
9. Ciarrochi J, Deane FP, Anderson S. Emotional intelligence moderates the relation between stress and mental health. Pers Individ Dif. 2000; 32: 197-209. doi:10.1016/S0191-8869(01)00012-5
10. Liao AK, Liao AW, Teoh GB, Liao MT. The Case for Emotional Literacy: the influence of emotional intelligence on problem behaviours in Malaysian secondary school students. J Moral Educ. 2003;32(1):51-66. doi:10.1080/0305724022000073338
11. Kimiaei A, Raftar MR, Soltanifar A. Emotional intelligence training and its effectiveness on reducing aggression in aggressive adolescents. Journal of Clinical Psychology Research and Counseling. 2011;1(1):111-8. [Persian]
12. Lazarus RS, Folkman S. Stress, appraisal and coping. New York: springer. 1984.
13. Gudmundson JA, Leerkes EM. Links between mothers' coping styles, toddler reactivity, and sensitivity to toddler's negative emotions. Infant Behav Dev. 2012;35(1):158-166. doi:10.1016/j.infbeh.2011.07.004
14. Folkman S, Moskowitz JT. Positive affect and the other side of coping. American Psychologist. 2000;55(6):647-54. doi:10.1037/0003066-X.55.6.647
15. Matthieu M, Ivanoff A. Using stress, appraisal, and coping theories in clinical practice: Assessments of coping strategies after disasters. Brief Treat Crisis Interv. 2006;6(4):337-48. doi:10.